

دور یا دور دنیا

فرانسہ / مارگریٹ دوراس  
لاموزیکا دومین

ترجمہ تینوش نظم جو  
باہمکاری مہشاد مخبری



France  
Marguerite Duras  
La musique  
deuxième



نشرنی

## پیش‌گفتار چاپ دوم

جشنواره فجر سال ۱۳۸۱.

عصری با نمایش بازیگر تئاتر فرانسوی فرانسوا کلاویه را دعوت کرده بود تا بخش‌هایی از آثار مارگریت دوراس را در تئاتر شهر بخواند یا اجرا کند. فرانسوا کلاویه از من خواست او را در خوانش همراهی کنم. نخستین انتخاب او بخش‌هایی از رمان‌های دوراس بود که تصمیم داشت برای تماشاگران به فرانسوی بخواند و من به فارسی. متأسفانه ترجمه فارسی آثار این نویسنده بزرگ فرانسوی، چنان بود که خواندن همزمان آن با متن فرانسه یا ممکن نبود یا مضحک از آب درمی‌آمد! هر دو توافق کردیم خوانش رمان‌ها را فراموش کنیم و به جای آن نمایشنامه لاموزیکا دومین را که سال قبل ترجمه کرده بودم نمایشنامه‌خوانی کنیم. از خانم مهشاد مخبری کمک خواستیم و فرانسوا کلاویه دو نقش را به فرانسوی خواند، مهشاد مخبری نقش آن-ماری روش را به فارسی و من نقش میشل نوله در مانده را خواندم. تجربه زیبایی بود این آمیزش دو زبان و سه بازیگر فرانسوی و ایرانی. اتفاقاً

مترجم فارسی دوراس نیز در آن نمایشنامه خوانی حضور داشت و گویی از متن خوشش آمد و فوری آن را ترجمه و چاپ کرد. که البته ترجیح می‌دهم درباره آن ترجمه این‌جا چیزی ننویسم.

و اما از آن تجربه شیرین‌تر، چندین سال بعد، سال ۱۳۸۵ پس از چاپ اول این کتاب، فضا سازی نگار جواهریان بود با بازی مریم داوری، احمد ساعتچیان و مینا خسروانی که در تاریکی، فقط با چراغ‌قوه‌ای در دست که متن‌شان را روشن می‌کرد و انعکاس نور خفیفی به صورت‌شان می‌داد، در فضای سالن سایه تئاتر شهر، همچون روح‌های سرگردان راه می‌رفتند و متن را باز می‌گفتند. حرکت‌شان در فضا، خطوطی که ترسیم می‌کردند، حلقه‌هایی نامرئی که دور هم می‌زدند را به یاد دارم و صدای این سه که هنوز در گوشم طنین‌انداز است و در اعماق روحم اثر گذاشته. صدایی که گاهی انگار از ته چاه می‌آمد، از اعماق روح‌شان، از ناخودآگاه مارگریت دوراس، واژگان از وجود بازیگران همان‌گونه بیرون می‌آمدند که انگار در ذهن دوراس لحظه پیش از نوشتن شکل گرفته بودند.

مجموعه دور تا دور دنیا را با این نمایشنامه و با یکی از مؤثرترین نمایشنامه‌نویسان قرن بیستم که به نوعی یکی از پدیدآورندگان تئاتر مدرن هم هست آغاز کردیم و امیدوارم این نخستین سنگ، پایه محکمی باشد برای مجموعه‌ای پایدار، خلاق و غنی.

تینوش نظم‌جو

### شخصیت‌ها

زن آن-ماری روش<sup>۱</sup>، سی و پنج ساله یا بیشتر. با یک آراستگی آشکار، ظریف و ساده، اما گویی غیرارادی. باید به چشم بیاید که این آراستگی عادت همیشگی اوست، که او هر روز این‌گونه جامه می‌پوشد.

در او نیرویی ست که نخست به چشم نمی‌آید. نه که او بازیش را پنهان می‌کند، نه. بلکه او با یک تربیت نمونه که اکنون ناپدید گشته، خود را از خود پنهان می‌کند. امروزه زن‌هایی هستند که چنین تربیتی دارند و لزوماً کسی به آنان نیاموخته ولی پشت به پشت، از مادر به دختر، به آنان رسیده. نکته مهم این تربیت، دانش به مرد است که زن نباید بداند که دارد و هم‌زمان باید این دانش از مرد پنهان بماند. مانند مسلکی ریاکارانه، هم‌زمان بی‌گناه و خطرناک که این زنان را همچون ابری از سکوت در بر گرفته.

1. Anne-Marie Roche